

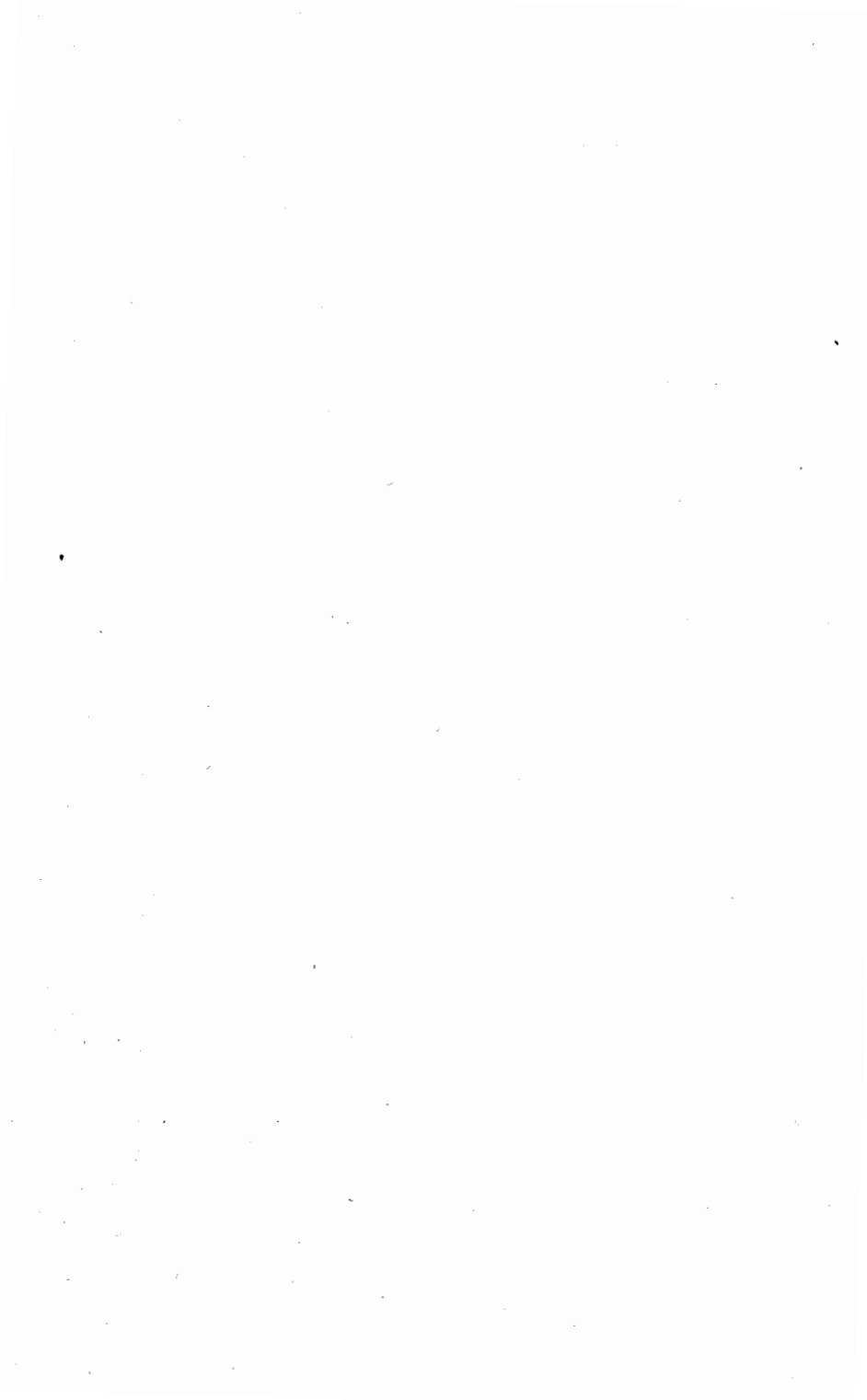


علامہ محمد تقی جعفری

سرگذشت و ایام، آراء و اندیشه

گردآوری، تدوین و تنظیم
علی جعفری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



علامه محمد تقی جعفری؛

سرگذشت و ایام، آراء و اندیشه ها

به همراه گزیده‌ای از تصاویر، دستخط‌ها، اسناد و مدارک

گردآوری، تدوین و تنظیم

علی جعفری



سر شناسه: جعفری، علی، ۱۳۴۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: علامه محمدتقی جعفری؛ سرگذشت و ایام، آراء و اندیشه‌ها
 به همراه گزیده‌ای از تصاویر، دست خط‌ها، اسناد و مدارک /
 گردآوری، تدوین و تنظیم علی جعفری.
 مشخصات نشر: تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۱.
 مشخصات ظاهری: ۴۸۸ ص. مصور (رنگی)، نمونه: ۱۴/۵ X ۲۱/۵ س. م.
 شابک: ۷-۴۱۸-۴۳۰-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
 یادداشت: نمایه.
 موضوع: جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۰۲-۱۳۷۷.
 موضوع: Muhammad Taghi, Jafari Tabrizi
 موضوع: جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۰۲-۱۳۷۷ -- خاطرات
 موضوع: جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۰۲-۱۳۷۷ -- دوستان و آشنایان -- خاطرات
 موضوع: جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۰۲-۱۳۷۷ -- نقد و تفسیر
 شناسه افزوده: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
 شناسه افزوده: Islamic Culture Broadcasting Institute
 رده‌بندی کنگره: BP ۵۵/۳
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۳۱۶۸۲
 وضعیت رکورد: فیبا



علامه محمدتقی جعفری؛ سرگذشت و ایام، آراء و اندیشه‌ها

(به همراه گزیده‌ای از تصاویر، دستخط‌ها، اسناد و مدارک)

گردآوری، تدوین و تنظیم: علی جعفری

صفحه‌آرا و طراح جلد: سعید عجمی

چاپ اول: سال ۱۴۰۱

این کتاب در ۱۰۰۰ نسخه در چاپخانه افست، لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

شابک: ۷-۴۱۸-۴۳۰-۹۶۴-۹۷۸

<p>فروشگاه‌ها و مراکز پخش: فروشگاه کتاب زیتون، ضلع جنوبی خیابان کریم خان، بین خیابان ایرانشهر و ماهشهر پلاک ۱۴۴ - تلفن: ۹۱۰۷۰۸۸۷ فروشگاه مشهد: تلفن: ۲-۳۲۲۱۴۸۳۱-۵۱ نشانی الکترونیک: www.daftamashr.org پست الکترونیک: print@daftamashr.org دفتر نشر آثار علامه جعفری: نشانی الکترونیک: www.ostad-jafari.com پست الکترونیک: Info@ostad-jafari.com اینستاگرام: @jafari_allameh تلفن: ۰۲۱-۴۴۰۹۱۰۴۲</p>	<p>دفتر مرکزی: ضلع جنوبی خیابان کریم خان، بین خیابان ایرانشهر و ماهشهر، ساختمان زیتون، پلاک ۱۴۴ تلفن: ۸۸۴۹۰۴۹۸ - ۸۸۴۹۰۱۵۴ کد پستی: ۱۵۸۴۷۸۳۹۳۹ مدیریت پخش و توزیع: خیابان وحدت اسلامی، بعد از بیمارستان رازی، کوچه خندان، نبش کوچه رضایی، پلاک ۶۶ تلفن: ۳۳۱۱۲۱۰۰ - ۵۵۹۸۲۳۵۳</p>
<p>خواهشمند است نظرات خود را درباره این کتاب با ذکر نام آن به شماره ۳۰۰۴۸۵۰ پیامک کنید. • حق چاپ برای ناشر محفوظ است.</p>	

تالیه مطالب

پیشگفتار ۲۱

فصل اول /

محمدتقی جعفری به بیان خویش ۳۷

- ۳۷ تولد و دوران کودکی
- ۴۰ دوران تحصیلات ابتدایی
- ۴۲ شروع تحصیلات حوزوی
- ۴۳ عزیمت به تهران
- ۴۵ عزیمت به قم و ملبس شدن
- ۴۷ رحلت مادر و مراجعت به تبریز
- ۴۸ عزیمت به نجف
- ۴۹ اساتید نجف و دروس تحصیلی
- ۵۱ برخی از هم‌دوره‌ای‌ها
- ۵۱ چگونگی تحصیل، ارتباطات طلاب و وضع معیشت در نجف
- ۵۴ آقا شیخ مرتضی طالقانی
- ۵۶ تدریس فلسفه و معارف در نجف
- ۵۸ برخی دیگر از اساتید
- ۵۹ زندگی روزانه در نجف
- ۶۱ فراهم بودن امکانات رفاهی، یا تنگدستی و سختی در هنگام تحصیل؟

۶۲	ازدواج	۶۲
۶۳	شرکت در درس های آیه الله سید ابوالقاسم خویی	۶۳
۶۴	تحصیل فلسفه	۶۴
۶۴	توصیف اساتید	۶۴
۶۶	اخذ اجازه اجتهاد	۶۶
۶۶	توضیحی درباره اساتید تهران و نجف	۶۶
۶۷	آغاز نگارش ها و تألیفات در نجف	۶۷
۶۸	علت بازگشت به ایران	۶۸
۶۹	برخی از شاگردان در نجف و ایران	۶۹
۷۱	بعضی از دوستان در نجف و ایران	۷۱
۷۱	تحقیق و تألیف کتاب ارتباط انسان - جهان	۷۱
۷۲	توجه به فرهنگ و فلسفه غرب در نجف	۷۲
۷۲	در حضور آیه الله بروجردی در قم	۷۲
۷۳	اقامت موقت در مشهد	۷۳
۷۴	سکونت در تهران	۷۴
۷۴	تدریس و سخنرانی در تهران و شهرها	۷۴
۷۶	پروفسور روزنتال؛ اولین ملاقات یک دانشمند خارجی	۷۶
۷۶	جزیه در اسلام	۷۶
۷۷	علت دیدار نکردن با ژان پل سارتر	۷۷
۷۸	دریافت اجازه نامه از آیه الله میلانی	۷۸
۷۹	نماز باران	۷۹
۸۰	ذکری از علامه طباطبایی	۸۰
۸۲	آشنایی با استاد مطهری	۸۲
۸۳	سفر به سمنان و دیدار با علامه سمنانی	۸۳
۸۵	بحثی درباره قصیده عینیه	۸۵
۸۷	سروده ها	۸۷
۸۹	آشنایی با پروفسور سید محمود حسابی	۸۹



- ۹۱ شعر و شاعری؛ شرح یک ماجرا
- ۹۳ مقایسه‌ای میان حوزه‌های علمیه نجف، قم، مشهد و تبریز
- ۹۷ ضرورت تغییر و تحول در متون درسی حوزه‌های علمیه
- ۱۰۱ چگونگی انگیزه مطالعه فرهنگ (فلسفه) غرب
- ۱۰۳ آیا فراگرفتن فلسفه غرب برای حوزه‌های علمیه ضروری است؟
- ۱۱۰ تحول در شرایط و زمینه‌های اجتهاد
- ۱۱۲ یکی از شرایط اجتهاد
- ۱۱۲ مسائل مورد نیاز حوزه‌ها برای رفع خلأها
- ۱۱۳ تخصصی شدن ابواب فقه
- ۱۱۳ اهمیت و شرایط ابداع و ابتکار
- ۱۱۶ پاسخگو نبودن ابتکارات در حوزه‌ها به نیازهای علمی و اجتماعی
- ۱۱۸ چگونگی ارتباط حوزه‌های علوم دینی با علوم انسانی و دانش‌های جدید
- ۱۲۴ انتخاب آراء فقهی غیر مشهور
- ۱۲۵ تحقیق و بحث درباره آراء فقهی غیر مشهور از سوی حوزه‌ها
- ۱۲۶ یک توصیه تخصصی
- ۱۲۶ علت آشنایی با مولوی و آثار او
- ۱۳۰ علل انگیزه نگارش تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی
- ۱۳۲ شیوه و نحوه تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی
- ۱۳۵ تفاوت‌ها و مشترکات مثنوی و دیوان شمس تبریزی
- ۱۳۷ اظهار نظرها درباره تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی
- ۱۳۹ برخی موارد تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی
- ۱۴۲ چه کسانی می‌توانند مثنوی را مطالعه کنند؟
- ۱۴۲ آغاز نگارش ترجمه و تفسیر نهج البلاغه
- ۱۴۳ تفاوت دو تفسیر
- ۱۴۵ ویژگی‌ها و شیوه تفسیر نهج البلاغه
- ۱۴۶ مکاتبات با لرد برتراند راسل، ریاضی‌دان برجسته قرن بیستم
- ۱۴۸ توضیح یکی از تناقضات راسل

- ۱۴۹ مصاحبه‌ها و گفتگوهای متفکران خارجی
- ۱۵۰ سخن پایانی؛ توصیه‌ای درباره مسائل اخلاقی

فصل دوم /

حکایات، خاطرات و اندرزها ۱۵۷

- ۱۵۷ راستگویی و صداقت پدر
- ۱۵۷ ماجرای قحطی و محترکین
- ۱۶۰ قناعت و رضایت به رزق و روزی
- ۱۶۰ خدا کار دارد و می‌خواهد برود!
- ۱۶۱ ارادتمندان امام علی علیه السلام
- ۱۶۲ کتابخانه علامه امینی
- ۱۶۲ ارادت وافر علامه امینی به امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۱۶۲ کار در کنار تحصیل
- ۱۶۳ نجات یک غریق
- ۱۶۴ پیاده‌روی از نجف تا کربلا
- ۱۶۵ با احمد امین در صحن کاظمین علیه السلام
- ۱۶۶ آقا شیخ محمد حسین اصفهانی (معروف به کمپانی)
- ۱۶۶ شیخ انصاری و مثنوی
- ۱۶۷ آیه الله میلانی و مثنوی
- ۱۶۷ آیه الله سید ابوالقاسم خوبی و مثنوی
- ۱۶۷ آقا میرزا رضی زنوزی
- ۱۶۸ احترام متقابل
- ۱۶۸ قانون مداری پدر
- ۱۶۹ اشاره به ۲۲۰۰ آیه در مثنوی
- ۱۶۹ بدیع الزمان فروزانفر
- ۱۷۰ تاجر و علی بابا
- ۱۷۱ آقا میرنقی و محمدخان مشکینی



۱۷۴	مراچه به شاه؟
۱۷۴	دکتر سید محمود حسابی، دلسوز افراد جامعه
۱۷۵	عمل و عکس العمل
۱۷۶	نگاه جهان بینانه به هنر
۱۷۶	بدون مذهب امکان پذیر نیست.
۱۷۷	فرو ریختن دیوار مسجد
۱۷۸	ماجرای یک تقلید
۱۸۰	أنا انزلناه فی ... ماجرای یک دعوت
۱۸۱	اولین سفر حج
۱۸۲	کلامی از دکتر محسن هشترودی
۱۸۲	در منزل دکتر محسن هشترودی
۱۸۳	محمد تقی شریعتی، فقید علم و عمل و ارشاد
۱۸۴	در ترکیه
۱۸۷	نگاهی به پاریس
۱۸۹	ورود به آلمان، برلین
۱۹۰	سفر به انگلیس
۱۹۱	مردم برخوردار از احکام اسلامی
۱۹۲	دیدار با ضیاء الحق
۱۹۳	تحمل و بردباری
۱۹۳	در روزنامه اطلاعات
۱۹۴	مقام شامخ
۱۹۵	دکتر علی شریعتی
۱۹۶	کنش و واکنش
۱۹۷	عمل و عکس العمل
۱۹۸	دیر و زود دارد، ولی سوخت و سوز ندارد
۱۹۹	مجرم و والی شهر کرمان
۲۰۰	ماجرای ترک سیگار

- ۲۰۰ کنگره غزالی
- ۲۰۱ سخنی از روزه گارودی
- ۲۰۱ ملای رومی مطلق نیست
- ۲۰۱ مغز تابناک مولوی
- ۲۰۲ دعا برای شهادت
- ۲۰۲ خطاب به قانون نویس ها و سازمان های بین المللی
- ۲۰۴ آیا انسان، دارای اختیار است یا مجبور است؟
- ۲۰۶ شیخ عبدالله حائری و رضاشاه
- ۲۰۶ حال یا مزاج؟
- ۲۰۷ مولوی در خواب چه گفت!
- ۲۰۷ محمد تقی حواست جمع باشد!
- ۲۰۷ رعایت نظم ترافیکی
- ۲۰۸ اگر کسی به تکالیف خود عمل نکند!
- ۲۰۸ ماجرای یک ملاقات؛ ۸ مهر ماه ۱۳۷۶
- ۲۰۹ به اسلام وارد نشده بود تا خارج شود!
- ۲۱۰ جدای قمی
- ۲۱۱ فرمان مالک اشتر و ژنرال دوگل
- ۲۱۲ ملکه تسلیم در مقابل حق
- ۲۱۲ سه چیز کم، ولی خیلی زیاد
- ۲۱۵ فیض حیات؛ سخنی با پزشکان و پرستاران
- ۲۱۶ کار ارزشی یک کفاش؛ کُوک اضافه
- ۲۱۷ بر بالین یک بیمار

فصل سوم /

واپسین روزها ۲۲۱

- ۲۲۱ بیمار، اما پاسخگو
- ۲۲۲ آخرین دیدار

- ۲۲۲ اتمام ترجمه نهج البلاغه در بستر بیماری
- ۲۲۳ آغاز سفر
- ۲۲۳ در افق آسمان
- ۲۲۴ غروب آفتاب حیات
- ۲۲۵ آخرین دیدار در حرم امام رضا علیه السلام
- ۲۲۶ آخرین دیدار در کتابخانه
- ۲۲۷ از لندن تا تهران؛ ساعاتی تلخ و حزن‌انگیز
- ۲۲۸ خبر درگذشت
- ۲۲۹ از خیابان «زیبا» تا خانه «زیبایی‌شناسی»
- ۲۳۱ به زبان ما و با ما
- ۲۳۲ آن درخت تناور
- ۲۳۲ علامه در قلب مردم جای دارد
- ۲۳۳ چلچراغ کاخ عرفان
- ۲۳۳ دریغ و درد
- ۲۳۴ سرگشته دریای عرفان
- ۲۳۴ خوشا به حال تو
- ۲۳۷ سجده عشق
- ۲۳۷ شرح درد فراق

فصل چهارم /

محمدتقی جعفری در نگاه دیگران ۲۴۵

- ۲۴۵ اهل حقیقت
- ۲۴۶ فزونی بخش جوش و خروش در دریای علم و معرفت
- ۲۴۷ فیلسوف غیر محدوداندیش
- ۲۴۸ آشنایی از مدرسه طالبیه تبریز
- ۲۴۹ عشق به مطالعه
- ۲۵۰ وضع تحصیل در نجف

- ۲۵۰ در محضر آقای حاج سید یونس موسوی مجتهد اردبیلی
- ۲۵۰ آشنایی از مشهد
- ۲۵۳ یکی از پرکارترین خدمت‌گزاران فرهنگ اسلام
- ۲۵۳ شخصیتی پاک و مهذب
- ۲۵۴ اولین دیدار و ارتباطات بعدی
- ۲۵۵ اولین اثر و نخستین آشنایی
- ۲۵۶ استاد جعفری و استاد عالی‌نسب
- ۲۵۶ تدریس کتاب «ارتباط انسان - جهان»
- ۲۵۷ آیه‌الله سید محمود طالقانی
- ۲۵۸ بهره‌برداری از شرح مثنوی
- ۲۵۸ محبوب جوانان
- ۲۵۹ معلومات ابتکاری
- ۲۶۰ احساس مسئولیت
- ۲۶۱ ارزش‌گذاری روی انسان‌ها
- ۲۶۲ شیوهٔ تنبیه
- ۲۶۳ پروفیسور محمد عبدالسلام در کتابخانهٔ استاد جعفری
- ۲۶۴ تفکرات پوزیتیویستی
- ۲۶۵ سؤالاتی که علم نمی‌تواند پاسخ بدهد
- ۲۶۶ احترام به قانون
- ۲۶۷ وفا به عهد
- ۲۶۸ جلسهٔ درس تعطیل نشود
- ۲۷۰ جامعیت و ابعاد متنوع
- ۲۷۱ رعایت وقت سخنرانی دیگران
- ۲۷۲ گلایه و دلخوری برخی از مردم
- ۲۷۳ افتخار به شغل پدر
- ۲۷۴ احترام به جوانان
- ۲۷۴ تکریم و تشویق نوجوانان

- ۲۷۵ محفلی برای آشتی دادن میان فلسفه، علم و دین
- ۲۷۶ مردی سخاوتمند
- ۲۷۸ تقید و تشریح
- ۲۷۸ لذت شنیدن آیات الهی
- ۲۷۸ سفارش‌های پدر بزرگ
- ۲۷۹ اهتمام به کار و تلاش
- ۲۸۰ فیلم‌نامه «روز واقعه»
- ۲۸۱ مسئولیت حوزه‌های علمیه
- ۲۸۳ رهبر و راهنما
- ۲۸۴ برخوردار از ارزش‌های کهن و نوین
- ۲۸۴ قاضی نه، بلکه یک معلم
- ۲۸۵ دیدار در ایران و آتن
- ۲۸۵ فضیلت و اخلاق انسانی
- ۲۸۶ میراث بزرگ
- ۲۸۶ فساد در سیاست
- ۲۸۷ دیدار دکتر احسان طبری با علامه جعفری؛ خاطره‌ی یک بازجو
- ۲۸۹ احسان طبری
- ۲۸۹ تکنولوژی در جلو، علوم انسانی در پشت صحنه
- ۲۹۲ مراسلاتی صرفاً علمی، نه کسب شهرت
- ۲۹۲ زلزله‌ی بوئین زهرا
- ۲۹۲ زنگ این آئینه را باید ببری!
- ۲۹۴ شاگرد حوزه‌ی نجف و مثنوی!
- ۲۹۵ صدای نی
- ۲۹۶ عشق به آثار استاد
- ۲۹۶ حسنعلی اسفندیاری
- ۲۹۷ ورود ممنوع، ممنوع
- ۲۹۷ تشکر از مأمور وظیفه‌شناس

- ۲۹۸ منزلی قدیمی و فرسوده
- ۲۹۹ عکس‌های یادگاری با مردم
- ۳۰۰ صدای بُتک آهنگر
- ۳۰۰ خاطرات سیاسی مورخ‌الدوله سپهر
- ۳۰۱ قبول نکردن مسئولیت‌های اجرایی
- ۳۰۴ مشورت
- ۳۰۵ ضرورت نظم و انضباط در زندگی
- ۳۰۵ با استاد جعفری در آلمان
- ۳۰۷ دعوتی که پذیرفته نشد
- ۳۰۸ احترام به مسیحیت و پیروان آن
- ۳۰۹ اهتمام جدی به تحصیل؛ ماجرای یک نقشه
- ۳۱۰ ملاقات با یکی از مترجمان
- ۳۱۱ «پروفسور» یا «آشیخ»
- ۳۱۲ پرداخت حقوق بندگان زحمتکش خدا
- ۳۱۲ شناخت جهان طبیعت
- ۳۱۳ باید حرکت را آغاز کرد
- ۳۱۴ آگاهی، یک مسئله حیاتی است.
- ۳۱۴ «من» هستم
- ۳۱۵ غیرت دینی
- ۳۱۶ پاسداری از دین
- ۳۱۷ عقل و خرد، بزرگ‌ترین هدیه الهی
- ۳۱۷ اشکال و نقد به آثار جعفری
- ۳۱۸ کسی که از انتقاد نمی‌رنجد
- ۳۲۰ انس و الفت با کتب ادبی
- ۳۲۱ پاسخ به بخش‌هایی از نیازهای شناخته شده
- ۳۲۱ مراعات کمال انصاف و تقوا
- ۳۲۲ پذیرفتن نظر یک دانشجو



۳۲۴	شبی در دزفول	۱۱۱
۳۲۵	شهید ابراهیم هادی	۱۱۲
۳۲۶	مسافر هواپیمای ما تا مشهد	۱۱۳
۳۲۷	دیدار با یک روستایی	۱۱۴
۳۲۷	کمک به افراد نیازمند	۱۱۵
۳۲۸	ترغیب به کار خیر	۱۱۶
۳۲۸	هنر خوب شنیدن	۱۱۷
۳۲۹	روش و سبک زندگی؛ ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری	۱۱۸
۳۳۰	حقوق حیوانات در فقه و حقوق اسلامی	۱۱۹
۳۳۰	قدردانی حیوان	۱۲۰
۳۳۰	ارزش حیوانات	۱۲۱
۳۳۱	عشق‌ورزی به تمام موجودات	۱۲۲
۳۳۱	نجات توله‌های سگ	۱۲۳
۳۳۲	گرگ باوفا	۱۲۴
۳۳۳	جان‌شناس و جهان‌شناس	۱۲۵
۳۳۴	یک روز کاری	۱۲۶
۳۳۵	همسری فداکار	۱۲۷
۳۳۶	کار و خودباوری	۱۲۸
۳۳۷	باغچه‌بان مهربان گل‌ها	۱۲۹
۳۳۷	صله رحم	۱۳۰
۳۳۷	در میان دانشجویان	۱۳۱
۳۳۸	طرح سؤال	۱۳۲
۳۳۸	یادی از علماء، همسایگان، کسبه و شهدای محل زندگی استاد جعفری	۱۳۳
۳۳۸	در خیابان خراسان	۱۳۴
۳۴۰	همسایگان در غرب تهران	۱۳۵
۳۴۱	ورزش	۱۳۶
۳۴۲	تشویق در کارهای هنری	۱۳۷

- ۳۴۳ حل مشکل یک خانم کلیمی
- ۳۴۳ سرمایه‌های معنوی
- ۳۴۴ تاکنون ناامید نشده‌ام
- ۳۴۵ یادی از به ابدیت پیوستگان

فصل پنجم /

آثار و تألیفات ۳۴۹

- ۳۴۹ الامر بین الامرین
- ۳۴۹ الرضاع
- ۳۴۹ ارتباط انسان - جهان
- ۳۵۱ تعاون الدین والعلم
- ۳۵۱ وجدان
- ۳۵۱ جبر و اختیار
- ۳۵۲ آفرینش و انسان
- ۳۵۲ علم در خدمت انسان
- ۳۵۲ توضیح و بررسی مصاحبه برتراند راسل - وایت
- ۳۵۲ بررسی و نقد برگزیده افکار برتراند راسل
- ۳۵۳ نیایش امام حسین علیه السلام در صحرای عرفات
- ۳۵۳ کاوش‌های فقهی
- ۳۵۳ ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل
- ۳۵۳ تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی
- ۳۵۴ از دریا به دریا (کشف الایات مثنوی مولوی)
- ۳۵۵ حرکت و تحول از دیدگاه قرآن
- ۳۵۵ امید و انتظار
- ۳۵۵ مولوی و جهان بینی‌ها
- ۳۵۵ فلسفه و هدف زندگی
- ۳۵۵ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه

۳۵۶	ترجمه نهج البلاغه
۳۵۶	حیات معقول
۳۵۷	معارف الهی
۳۵۷	ارکان تعلیم و تربیت
۳۵۷	تحلیل شخصیت خیام
۳۵۸	خلوت انس (تحلیل اندیشه‌ها و شخصیت حافظ)
۳۵۸	حکمت، اخلاق و عرفان در شعر نظامی گنجوی
۳۵۸	علل و عوامل جذابیت سخنان مولوی
۳۵۸	شناخت انسان در تصعید حیات تکاملی
۳۵۹	بررسی و نقد نظریات دیوید هیوم در چهار موضوع فلسفی
۳۵۹	حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب
۳۶۰	حکمت اصول سیاسی اسلام (تفسیر فرمان مالک اشتر)
۳۶۰	زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام
۳۶۰	موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی
۳۶۱	بررسی فقهی و حقوقی طرح ژنوم انسانی
۳۶۱	تحقیقی در فلسفه علم
۳۶۲	همگرایی علم و دین (دین و دانش)
۳۶۲	علم و دین در حیات معقول
۳۶۳	امام حسین <small>علیه السلام</small> شهید فرهنگ پیشرو انسانیت
۳۶۳	فکرواره نهج البلاغه
۳۶۴	فکرواره مثنوی
۳۶۴	در محضر حکیم
۳۶۴	فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو
۳۶۵	قرآن، نماد حیات معقول
۳۶۵	مجموعه آثار ۱ - عرفان اسلامی
۳۶۵	مجموعه آثار ۲ - تکاپوی اندیشه‌ها
۳۶۶	مجموعه آثار ۳ - بررسی افکار هیوم و راسل

- ۳۶۶ مجموعه آثار ۴ - معرفت شناسی
- ۳۶۷ مجموعه آثار ۵ - حقوق جهانی بشر و کاوش های فقهی
- ۳۶۷ مجموعه آثار ۶ - چهار شاعر (خیام، نظامی، سعدی و حافظ)
- مجموعه آثار ۷ - بررسی و نقد کتاب «سرگذشت اندیشه ها، اثر
- ۳۶۷ آلفرد نورث وایتهد»
- ۳۶۸ مجموعه آثار ۸ - جبر و اختیار و وجدان
- ۳۶۸ مجموعه آثار ۹ - فلسفه فرهنگ و هنر
- ۳۶۸ مجموعه آثار ۱۰ - فلسفه اجتماع، تاریخ و تمدن
- ۳۶۹ مجموعه آثار ۱۱ - معنای زندگی
- ۳۶۹ مجموعه آثار ۱۲ - انسان شناسی
- ۳۷۰ مجموعه آثار ۱۳ - فلسفه اخلاق و تعلیم و تربیت
- ۳۷۰ مجموعه آثار ۱۴ - فلسفه دین

□ سال شمار زندگی محمدتقی جعفری ۳۷۳

□ تصاویر ۳۸۳

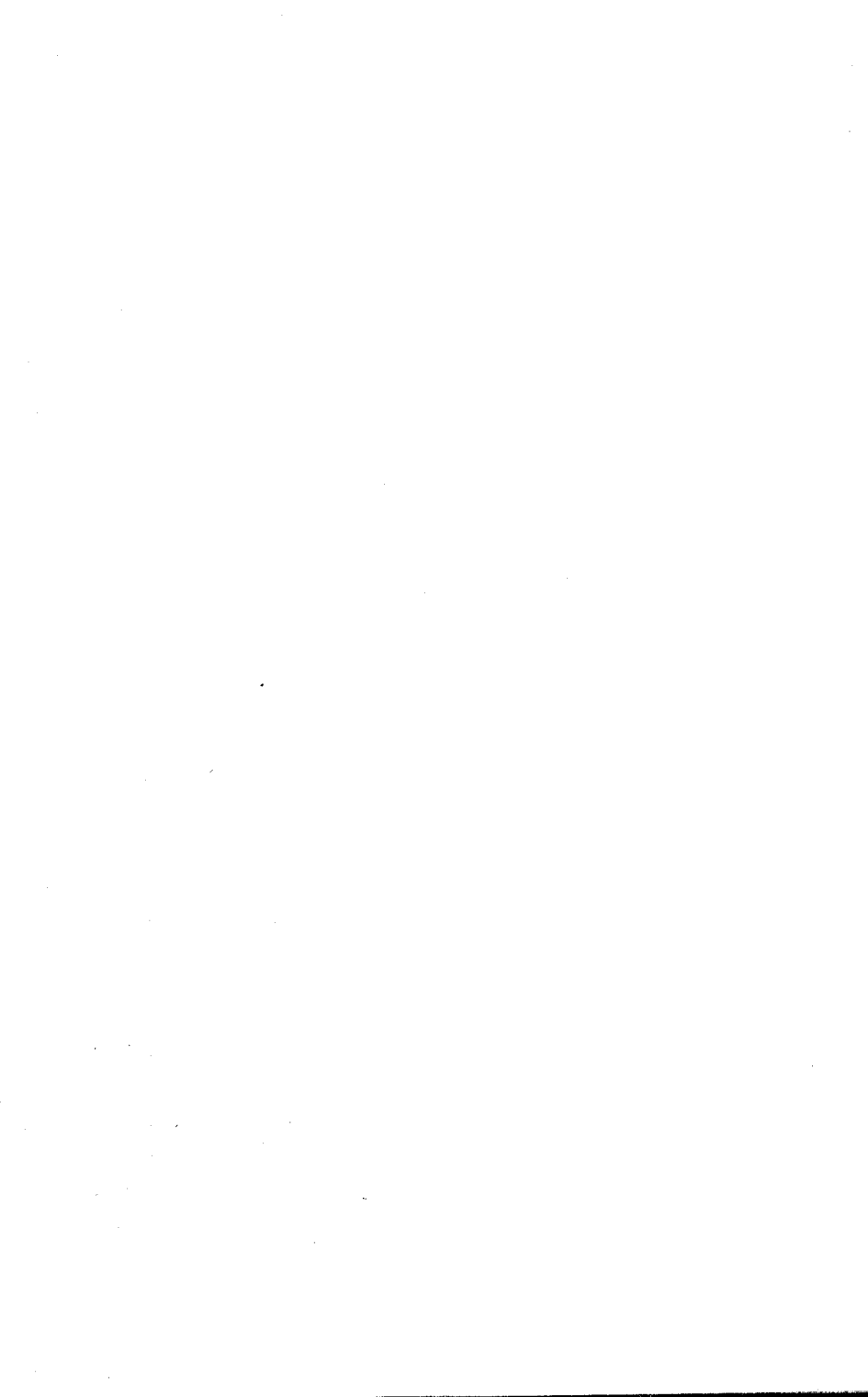
□ دستخطها، اسناد و مدارک ۴۴۵

□ نمایه آیات و روایات ۴۶۹

□ نمایه نامها ۴۷۱

□ نمایه کتابها ۴۸۵

پیشگفتار



پیشگفتار

حمد و ثنای بی‌پایان مرخدای راست که انسان‌ها را با دو نیروی بااهمیت عقل و وجدان بیافرید و آنان را به شرف معرفت و احساس تکلیف و شناخت حق و احترام و پذیرش آن دو در عرصه تکاپو برای حیات تکاملی، تکریم و تمجید فرمود. درود بی‌کران بر همه پیشوایان الهی که حرکت بر مبنای «حق» و «تکلیف» را برای آدمیان تفسیر و قابل درک ساخته، آنها را به حرکت در مسیر حیات هدفدار توجیه کردند!

یکی از روش‌های پژوهش در علم و تفکر علمی، «گفتگو» و «مصاحبه» است. با گذشت قرون متعدد از جستجو درباره روش‌های علم، این نکته به اثبات رسیده است که از گفتگو می‌توان به عنوان یکی از راهکارهای بررسی موضوعات و مباحث علمی یاد کرد. در حقیقت، گفتگو با ارکان و اجزای خویش، حاوی خصوصیت‌ها و ویژگی‌هایی است که حاصل آن را می‌توان کاری علمی به شمار آورد.

با این وصف، از یک سو می‌توان در مورد گفتگو به عنوان روش یا شیوه (متد) فکر کرد، و از سوی دیگر می‌توان به گفتگوکننده و گفتگوشونده به عنوان عناصر این متد اندیشید، و در نهایت، حاصل کار،

حرکتی علمی است که در کنار دیگر اسلوب‌های علمی قرار می‌گیرد. از این رو در تمدن اسلامی، «مباحثه» یا گفتگوی علمی، همواره رتبه‌ای والا داشته و در تدریس از بیشترین اهمیت و اعتبار برخوردار بوده است.

مطلب و سخن در این خصوص بسیار است و شاید به سادگی نتوان آنچه را که مقتضی است، در دیباچه‌ای کوتاه و مختصر بیان کرد. به تحقیق، یکی از منادیان گفتگوی فکری و علمی در ایران، به ویژه در دهه‌های پایانی قرن بیستم، استاد محمد تقی جعفری است. با نظر به کارنامه فکری و علمی ایشان می‌توان میزان اهمیت گفتگو را در کارهای استاد مشاهده کرد. در حقیقت، «گفتگو» به عنوان یک شیوه علمی در کارنامه علمی و اندیشه‌ورزی او، اهمیت بی‌بدیلی دارد. این در حالی است که در دوران اوج تکاپوهای علمی ایشان، گفتگو به عنوان یکی از شیوه‌های تحقیق و تحقق علم، چندان رواج نداشت.

حال، می‌خواهیم شما را پای صحبت‌ها و خاطرات متفکری بنشانیم که هم آزاداندیش بود و هم دین‌مدار. دو مقوله‌ای که نزد برخی از متفکران غربی و حتی شرقی در تضادی آشتی ناپذیر قرار داشت و دارد، اما او این مرزبندی‌های صوری را در هم شکست و بسان برخی متفکران پیشین غربی و شرقی، طرحی نو در انداخت و اتحاد حقایقی چون دانش، فلسفه، مذهب، عرفان، اخلاق، هنر، ادب و ... را به باور رساند. محمد تقی جعفری معلمی بود که هرگز خود را از تعلیم و تربیت بی‌نیاز نمی‌دید، زیرا معتقد بود: «بهترین استاد، همواره بهترین دانشجویست». او اعتقاد داشت: «اگر مریبان و پیشتازان جوامع، نشانی حیات ما را به دست ما بدهند، هیچ انسانی احساس شکست در زندگی نخواهد کرد».

او به خوبی دریافته بود که موضوع تربیت انسان، بیش از آنکه با سخن‌پردازی و کلی‌بافی و دسته‌بندی نظریات دیگران ممکن باشد، موضوعی است از جنس عمل: «کردار عینی مریبان بشری در امر تعلیم و تربیت، اساسی‌تر و مؤثرتر از گفتار آنان است». تربیت، انعکاس رفتاری

است که انسان در جامعه انجام می‌دهد. بنا بر این، پرداختن به خود و خویشتن‌شناسی، استکمال نفس، شناخت حیات هدف‌دار، وجدان کار، کوشش و تلاش مستمر، احساس تکلیف، تعهد و ... از مهم‌ترین ارکان خطابه او بود:

هر انسان و هر جامعه‌ای که وجدان کار در نزد آنها از کار افتاده باشد، سقوط آنها با عوامل درونی و یا به دست دیگر کسانی که وجدان کار در آنان بیدار و در فعالیت می‌باشد، قطعی است!

برای کسانی که با او مصاحبت و همنشینی داشتند، ملاحظه شخصیت، اخلاص، صداقت و سادگی رفتارش به صورت عملی، بسیار ارزشمندتر از هر توصیه و اندرزی بود که در خلال سال‌ها اندیشه‌ورزی و تحقیق از خود به یادگار گذاشته است. توانایی‌های مغزی و قدرت تعمق در موضوعات پیچیده و نیز جنس مباحث و موضوعاتی که در آنها غور و تفحص می‌کرد، برای برخی جویندگان علم عجیب و شگفت‌آور بود؛ چیزی که بسیاری از افرادی که او را از نزدیک دیده و یا به نحوی از دانش وسیعش بهره برده‌اند، به آن واقفند و چنین می‌نمایند که زندگی علمی و عملی او، با استناد و ارجاع به خاطراتی که از سوی بستگان و دوستان و شرکت‌کنندگان در جلساتش نقل می‌شود، مفید و عبرت‌آموز بوده است.

محمدتقی جعفری با آگاهی به مقتضیات جامعه معاصر خود، در دوره‌ای که یکی از پیشتازان علوم انسانی بود، بعضی‌ها حتی نمی‌دانستند جایگاه علوم انسانی در کنار سایر علوم و دانش‌ها مانند دو جاده موازی است که برای حصول نتیجه باید در کنار هم قرار گیرند. در آن دوران، فلسفه در برخی از محیط‌های علمی جایگاهی نداشت و برخی از متفکران تصور می‌کردند که علم و دانش، صرفاً علمی است که بر اساس تجربه به دست می‌آید. او همواره در تلاش بود تا به علمای زمان بفهماند: علم نمی‌تواند صرفاً به صورت تجربی حاصل شود، بلکه علم، نیازمند و

وامدار برخی اصول فلسفه و دین است و علم تجربی به تنهایی نمی تواند پاسخگوی تمام سؤالات بشر باشد؛ لذا یک نگاه جامع نگر لازم است تا امکان پاسخ سؤالات خارج از حیطه علوم تجربی را فراهم کند. در روایتی آمده است:

الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُرُ عَلَيْهِ اللّٰوِيسُ^۱

عالم آگاه به زمان، در معرض هجوم لغزشها و شبهات قرار نمی گیرد.

ایشان همواره به نیازهای فکری زمان خود و اولویتها و ضرورت های مباحث روزآمد توجه داشت و در حجره بحث های نظری عافیت طلبانه و انزواجویانه زندگی نمی کرد. آثار و حتی سخنرانی های ایشان در محافل دانشگاهی و حوزوی و عمومی، همراه با احساس تعهد و تکلیف، به منظور رفع نیازهای فکری و علاج دردهای جامعه بوده است. می توان گفت: امثال استاد محمد تقی جعفری با مطالعه فلسفه غرب و دیدگاه اندیشمندان طراز اول مغرب زمین و ایجاد ارتباط دو سویه از طریق مکاتبه یا مواجهه حضوری با آنان، نشان دادند که نوآوری و خلاقیت، رمز دانشوری و فرهیختگی است.

او تلاشی خستگی ناپذیر و ثمربخش در راه تشخیص و کاهش دردهای بشری و درمان و خشکاندن ریشه های آن داشت. کشتن پشه مالاریا که موجب بیماری است، می تواند یک روش موقت و محدود باشد، ولی خشکاندن باتلاق که محیط زیست پشه است، روش اصلی و بنیادین است. در منظومه فکری او، یکی از راهکارهای درمان تمام دردهای بشری به سه دستور اصلی خلاصه شده است:

دستور یکم: خودخواهی را تعدیل کنید.

دستور دوم: خودخواهی را تعدیل کنید.

دستور سوم: خودخواهی را تعدیل کنید.^۲

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶.

۲. ر.ک: جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ویراست جدید، ج ۲، ص ۳۸۹ و ۳۹۰، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۹۸.

او شخصی بی ادعا به معنای واقعی کلام، و یک شخص ژرف‌اندیش بود؛ دانشمندی حکیم و نوآور که هیچ دانش و کلامی را سطحی نیاموخته بود و با کمال صداقت و تواضعی که در رفتارهای شخصی و اجتماعی داشت، دغدغه‌مند انسان بود و برای حل مشکلات موجود در جامعه بشری که ذهن و فکرش را تا آخر عمر مشغول داشته بود، همواره پیشگام و پیشرو بود و با تکاپوهایی افتخارآمیز، «رشد» و «راستی» را می‌جست تا غنا و شکوه عقیده و تفکر معقول را به ارمغان بیاورد.

با این وصف، کثرت گفتگوهای محمدتقی جعفری با اهل فن و صاحبان تخصص‌های مختلف، نشان‌دهنده این امر می‌تواند باشد که او در مقام یک متفکر، گفتگو را امری فراتر از هم‌سخنی و هم‌کلامی دانسته، آن را مقوله‌ای فراتر از دیالوگ می‌شناسد و در متن آن، روایت‌ها و حقیقت‌ها و حکمت‌هایی را سراغ دارد که چه بسا در غیر گفتگو، کمتر بتوان نظیری برای آنها سراغ گرفت.

تأمل در برخی از گفتگوهای به جای مانده از ایشان، شاهد و گواه این موضوع است، چرا که در مطاوی آنها شاهد پویش فکری و جولان مغزی، و به عبارت دقیق‌تر: تموج ذهنی هستیم، و در خلال فراز و فرودهای گفتگوهایی که به نظر می‌رسد از غنای کافی برخوردار بوده است، با سلوک ذهنی، پیوسته در حال جستجو و یافت و دریافت است. از این رو، بی‌جهت نیست که در برخی از گفتگوهای او، به شکلی غیر قابل‌کتمان با دریافت‌هایی روبرو می‌شویم که بر اساس قواعد فلسفه علم می‌توان از آنها با عنوان دیدگاه‌های ابتکاری و بدیع یاد کرد.

محبوبیت در میان عموم مردم از یک سو و آثار گران‌قدر و متنوع ایشان از سوی دیگر، نمایانگر این جهاد فکری ثمربخش و عظیم است. ایشان با آنکه در سن ۲۳ سالگی موفق به اخذ درجه اجتهاد از آیه‌الله شیخ کاظم شیرازی شده بود، اما از آن زمان تا خاموشی آخرین شعاع فروغ حیاتش، لحظه‌ای از جهد بلیغ و عالمانه در راه تعالی اندیشه‌های والای بشری و

نشر معارف الهی درنگ نکرد. او از یک سو مجتهدی است که حدود دوازده سال در حوزه نجف و سالیانی قبل از آن در تبریز و تهران و قم از محضر علماء، مراجع، فقها و فلاسفه بهره‌مند شده، علوم عقلی و نقلی و عرفانی و ادبی را تا درجه‌ای رفیع فرا گرفته است و از سویی دیگر، از همان دوران نجف با فلسفه و فرهنگ و ادبیات شرقی و غربی ارتباط برقرار می‌کند و به مقایسه میان روش شرقی و غربی در جهان بینی می‌پردازد؛ تا آنجا که گذشته از مطالعه دقیق و نکته‌یاب و نقادانه بخش مهمی از فرهنگ مغرب‌زمین، در بحث‌های خصوصی و گفتگو با اندیشمندان غربی، قدرت و عظمت فرهنگ و معارف اسلامی را نمایانگر می‌سازد.

با همه این توصیفات، متأسفانه حجاب معاصرت و برخی ناآگاهی‌ها سبب شده است مطالبی درباره ایشان و بسیاری از این‌گونه شخصیت‌های مؤثر در جامعه بیان شود که گاهی اوقات فاقد ارزش و محتوای علمی است. در این میان، آفت تخریب آراء و اندیشه متفکران دلسوز و دغدغه‌مند - که متأسفانه گاهی در این کشور رایج است و سابقه‌ای بس طولانی دارد - به جای نقد منصفانه و ایجاد رقابت‌های سازنده که منجر به تقویت خرد جمعی می‌شود، دامنگیر برخی افراد شد که بدون حتی خواندن سطر و صفحه‌ای از آثار ایشان و دیگر متفکران عالی‌مقام دلسوز به جامعه، بر توهم خود پای فشردند.

در اینجا برای آگاهی خوانندگان ارجمند، ضروری است که به نمونه‌ای از اظهارات و قضاوت‌های گاه غیر علمی برخی از افراد و نحله‌های فکری اشاره کنیم:

۱. ایشان هنگامی که در سال ۱۳۴۵ خورشیدی، تدریس و نگارش «تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی» را شروع و تقریباً از سال ۱۳۴۹ به انتشار آن اقدام کردند، عده‌ای از علما و طلاب آن روزگار معترض شده و چنین ابراز داشتند: چرا ایشان که در مقام یک روحانی مجتهد است، به مثنوی مولوی ورود کرده و وقت خود را هدر می‌دهد؟ اصلاً چرا به جای تفسیر

مثنوی مولوی که یک شخص صوفی است، به شرح و تفسیر نهج البلاغه نمی پردازد؟

اولاً، انجام ترجمه و تفسیر نهج البلاغه از تصمیم‌ها و علاقه‌های دیرین ایشان بوده است، اما به جهت عظمت و تعالی شخصیت الهی امیر المؤمنین علیه السلام که باب علم رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و خطایی به سخنان آن بزرگ بزرگان راه ندارد، ابتدا به شرح و تفسیر مثنوی پرداخت و پس از اتمام نگارش این مجموعه، شرح و تفسیر نهج البلاغه را آغاز کرد. در واقع، شاید بتوان گفت: زنده‌یاد محمدتقی جعفری برای ورود به اقیانوس عظیم نهج البلاغه، نخست لازم و ضروری دید که از رودخانه مثنوی معنوی عبور کند تا مقدمات و شرایط ورود به بحث و بررسی اندیشه‌های انسان کامل، امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را فراهم سازد.

ثانیاً، او از دیرباز، یعنی از زمان تحصیل در نجف اشرف، با ظرفیت‌ها و ظرافت‌ها و زیبایی اندیشه‌های جلال‌الدین محمد مولوی آشنایی داشته و دیدگاه‌هایش را قابل طرح و اعتنا و مفید برای زمانه معاصر می‌دانست. از نظر جعفری: مولوی یکی از انسان‌شناسان بزرگ اسلام است که به جهت پیمودن مراحل و منازل عرفان مثبت، با دیگر دانشمندان و سخن‌سرایان، تفاوت‌هایی بارز و استثنایی دارد. وجود نظام (سیستم) بازفکری در نظام و منظومه اندیشه مثنوی، گرایش توأم با علاقه جعفری به این کتاب گران‌سنگ را در پی داشت. ایشان می‌نگریست که جلال‌الدین مطالب مهم و شگفت‌انگیزی را در حوزه علوم انسانی، با بیانی خاص و تأثیرگذار ابراز می‌دارد که تا پیش از او به آن اندازه سابقه ندارد. بی‌شک، این امتیازی است که واجد آن را - هر که باشد - باید به دیده اعجاب و تحسین نگریست. اشتغال مثنوی بر اساسی‌ترین مباحث فکری فراتر از زمان خویش که قرن‌ها پس از او در صفحه ایام سر برآورده‌اند، بر اهمیت بیش از پیش مثنوی و سراینده آن در نظر محمدتقی جعفری افزود و احترام و علاقه‌ای توصیف‌ناپذیر و ژرف را در او پدید آورد؛ علاقه‌ای

که به نگارش ۱۵ جلد نقد و تحلیل و تفسیر مفصل دایرةالمعارف گونه منجر شد و نام شارح آن را، به اعتقاد کثیری از مثنوی شناسان، در صدر شارحین این کتاب مهم قرار داد.

برخی از افراد نیز اصرار داشتند: «محمد تقی جعفری در اواخر عمر خود، نسبت به تفسیر و شرح مثنوی احساس پشیمانی کرده است!» این مطلب هم صحیح نیست، زیرا ایشان بارها به فرزندان و دوستانشان گفته اند: «اگر وقت اقتضا می کرد، ۵ یا ۶ جلد دیگر بر تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی اضافه می کردم».

علاوه بر اینان، افرادی هم بودند که در مناصب دانشگاهی و حوزوی، همزمان با انتشار این اثر در همان اواخر دهه ۱۳۴۰ و شروع سال های دهه ۱۳۵۰، به جای مطالعه و نقد و بررسی آن، با اظهار مطالبی سخیف و بی پایه و گاهی توهین آمیز، به اظهارات و قضاوت هایی که در شأن یک فرد رهرو علم نبود، روی می آوردند که متأسفانه این روند هنوز هم از جانب برخی افراد ادامه دارد.

۲. عده ای دیگر با تکیه بر کتاب «مبدأ اعلی» تألیف استاد محمد تقی جعفری، سعی دارند تا با مطالب این کتاب، ایشان را هم ردیف خود در نحله های ضد فلسفی و عرفانی معرفی کنند. این گروه متأسفانه به طور قطع، مطالعه و تأملی دقیق و وسیع در آثار بعدی صاحب اثر نداشته اند تا نسبت به تحولات، تغییرات و ارتقای تفکرات او در آثار تألیف شده بعد از «مبدأ اعلی» توجه خود را مبذول دارند. ایشان کتاب «مبدأ اعلی» را در عنفوان جوانی، یعنی تقریباً هفتاد سال پیش به نگارش درآورده اند و شمارگان محدودی در نشر داشته است و به طور قطع با گذشت زمان و تحقیق و تفحص بیشتر در مباحث کتاب مزبور، در سایر کتاب های خود، نظریات قدیمی و اولیه خویش را تجدید و تنقیح کرده اند. این کاملاً طبیعی است که تجدید نظر علمی در شناخت های اولیه و گذشته یک متفکر، از نتایج پویایی و نوگرایی در اندیشه محسوب شود. این گفتار از

پیشتازان معارف بشری مشهور است:

در هر موقعی که به نتایج فکری گذشته مان می‌نگریم، از محدودیت و نقص آنها شرم‌منده می‌شویم و تجدیدنظر در آنها را ضروری می‌بینیم.^۱

بر این اساس، بهتر است محققان ناقد از هر نحله فکری، ابتدا اندک تأملی بر تمام آثار ایشان داشته باشند تا ببینند نوگرایی در دیگر اندیشه‌های نویسنده کتاب «مبدأ اعلی» چقدر موج می‌زند. بماند که بخش‌هایی از این کتاب، در اصل، اثری ذوقی و ادبی مشتمل بر مسمط‌هایی خوشخوان و خوش‌وزن است که طبعاً باید با معیارهای ذوقی و ادبی سنجیده شود.

۳. برخی از افراد، از همان اوایل سال‌های دهه ۱۳۴۰ خورشیدی به بعد، نسبت به ارتباط علمی محمدتقی جعفری و برتراند راسل و مکاتباتی که بین این دو متفکر بزرگ صورت گرفته، اظهاراتی خلاف موازین کرده و در مواردی نیز ایشان را مورد کنایه قرار داده‌اند. این اشخاص که امید است قصد روشنگری علمی داشته‌اند نه تخریب و حسادت، چنین گفته‌اند: «محمدتقی جعفری میل داشت هم نقش همتای راسل را بازی کند و هم به ارشاد او به صراط مستقیم پردازد، و برای همین بود که با او به مکاتبه پرداخت!!!» این گروه که به ادعای خودشان، هم اهل تفکر هستند و هم دستی بر قلم داشته و از دور دستی بر آتش حضور در فرنگ و غیر فرنگ دارند، هیچ‌گونه اطلاعی از علت مکاتبه جعفری با راسل ندارند. بنا بر این، ذکر نکاتی در این باره ضروری به نظر می‌رسد:

اول - ایشان در مقاله‌ای که در بهمن‌ماه سال ۱۳۴۸ شمسی تحت عنوان «پژوهشی در دنیای فلسفی راسل» درباره شخصیت راسل نگاشته است، حدود ده ویژگی مثبت را برای شخصیت فکری راسل ذکر می‌کند.^۲ مثلاً، از هوش و استعداد و حافظه راسل و قدرت وی در آسان کردن

۱. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ویراست جدید، ج ۲، ص ۱۵۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۹۸.

۲. ر.ک: روزنامه اطلاعات، شماره ۱۳۱۱۶، تاریخ: ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۴۸ش.

مطالب فلسفی و اعتقاد او به آزادی فکر و بیان، و نیز از قوه نقادی وی سخن می‌گوید. در روزگاری که آثار راسل به زبان فارسی ترجمه شد و فضای دانشگاهی را تحت تأثیر خود قرار داد، ایشان به نقد و بررسی دو اثر راسل پرداخت تا دانش پژوهان، تصویری دقیق و همه‌جانبه از شخصیت فکری این متفکر داشته باشند و تحت تأثیر اندیشه‌های منفی او قرار نگیرند.

دوم - علت مکاتبه محمد تقی جعفری با برتراند راسل، انتشار ترجمه کتابی بود به نام «جهانی که من می‌شناسم»، که بعد از کلی تحقیقات مشخص گردید که نام کتاب، اشتباه ترجمه شده است. نام اصلی این کتاب عبارت بود از: «برتراند راسل افکار خودش را بیان می‌دارد». لذا به علت تناقضاتی که در جریان تحقیق و پژوهش آثار راسل کشف می‌شد، بهترین راه ابهام‌زدایی و تبیین دقیق نظرات وی، مکاتبه با این متفکر بود و اولین اقدام ایشان برای ارتباط با برتراند راسل از این منظر صورت گرفت.

مطلب دیگری که نسبت به زنده‌یاد جعفری اظهار کرده‌اند، و به نظر می‌رسد نتیجه مطلق پنداشتن شخصیت‌ها و متفکران غربی است، این است: «کاغذی که دست راسل به آن خورده، متبرک است و اسباب برکتِ معلوماتِ گیرندهٔ نامه!»

در اینجا لازم است این نکته را یادآور شویم که از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۷۷ شمسی، حدود ۲۵۰ تن از بزرگان علم و فلسفه کشورهای آسیایی، اروپایی و آمریکایی، آن هم با درخواست خودشان به منزل استاد محمد تقی جعفری آمده و یا در سفرهای بین‌المللی، مصاحبه و گفتگوهایی با ایشان انجام داده‌اند که در مجموع، گنجینه بزرگ و ارزشمندی در علوم انسانی و مشتمل بر مباحث دقیق و ظریفی در فلسفه و مبانی کلی علوم و ادیان و عرفان محسوب می‌شود. گزیده‌ای از این مصاحبه‌ها و گفتگوها در کتابی به نام «مجموعه آثار ۲ - تکاپوی

اندیشه‌ها،^۱ تاکنون چندبار منتشر شده که در لابلای آن می‌توان نهایت خضوع و احترام متقابل این بزرگان علم و فلسفه را مشاهده کرد. لذا استاد جعفری نیازی نداشت با چند فقره مکاتبه با یک متفکر غربی، اسباب برکت برای معلومات خود فراهم کند!

این پیشگفتار را بیش از این طولانی نمی‌کنیم و اصحاب قلم و اندیشه، به ویژه طلاب و دانشجویان دلسوز و دغدغه‌مند را خاضعانه به یک تجدیدنظر اساسی فرا می‌خوانیم؛ تجدیدنظر در شناختِ بهتر و بیشترِ زندگی آموزگارانی صالح که درصدد خدمت و جانفشانی صادقانه و خالصانه به خدا و خلق خدا برآمدند، آن هم بر خلاف مربی‌نماهای از انسان بی‌خبر و رهزنانی که عزمشان را در مقهور و مسحور ساختن اجسام و ارواح انسان‌های پاکدل در سرابِ عظمتِ توخالی و پوشالی خودشان جزم کرده‌اند؛ تجدیدنظر در گزینش آگاهانه‌الگو و انتخاب مسیر اندیشه و لزوم تأملی جدید در باب آثار و آراء جعفری و امثال این متفکران که اگر به فراموشی سپرده شوند، باید آماده‌ی مواجهه با بحران فروپاشی علوم انسانی، بی‌هویتی و خودباختگی در مقابل دیگر فرهنگ‌ها و بی‌اعتنایی به فرهنگ اصیل خودمان باشیم!

شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دگر^۲ مجموعه‌ای که اینک از نظر شما می‌گذرد، حاوی بخش‌های مختلف به شرح زیر است:

۱. طی دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ ش، به مناسبت‌های مختلف، گفتگوها و مصاحبه‌هایی با استاد محمدتقی جعفری انجام شده و ایشان چکیده‌ای از زندگی، افکار و آراء علمی خود را بیان کرده‌اند. شاید بتوان از آنچه که در این گفتگوها به دست آمده، به عنوان برخی اصول و قواعد اندیشه‌ها و آراء ایشان بعد از تألیف و نگارش رساله‌های متعددش یاد

۱. این کتاب به زبان انگلیسی و روسی نیز ترجمه شده است.

۲. مثنوی معنوی، دفتر اول.

کرد که در عین حال حاوی نکات بکر و بدیع و برخی ناگفته‌هاست. فصل اول شامل این گفتگوها و مصاحبه‌هاست که توسط مجله کیهان فرهنگی، مجله حوزه، دکتر عبدالله نصری و در مواقع مختلف با بعضی فرزندان و بستگان استاد جعفری انجام گرفته و اکنون بخش‌های مهم این گفتگوها با ویرایش و تدوین جدید در این کتاب منتشر می‌شود.^۱ همچنین، در خلال مباحث گفتگوها، از کتاب «مجموعه آثار ۲ - تکاپوی اندیشه‌ها»، از نظرات استاد درباره اندیشه‌های برتراند راسل نیز استفاده شده است.

۲. در فصل دوم، یعنی بخش حکایات و خاطرات و اندرزهای محمدتقی جعفری، شاهد گزیده حکایات و خاطراتی از ایشان هستیم که در سال‌های مختلف برای فرزندان، دوستان و بستگان‌شان نقل کرده‌اند و بعضی از آنها نیز از آثار ایشان اخذ شده است.

۳. فصل سوم، شرحی مختصر از واپسین روزهای حیات استاد و دل‌نوشته‌هایی است که برخی افراد علاقمند در رثای ایشان نگاشته‌اند.

۴. فصل چهارم کتاب حاضر، شامل خاطرات و نکاتی از فرزندان و بستگان، و نیز نکات نغز و به یادماندنی از سوی حلقه دوستان و اشخاصی است که در جلسات خصوصی و عمومی ایشان شرکت کرده‌اند. همچنین، خاطراتی دیگر در این فصل از افراد آمده که شامل گفتگوهای شفاهی بوده و یا از مصاحبه افراد در رسانه‌ها و یا از مجلات و کتب گردآوری شده است. گردآوری و بازبینی این نکات و خاطرات، در سال‌های دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ش صورت گرفته و در اینجا تنها به نقل بعضی از آنها اکتفا کرده‌ایم. البته خاطرات فراوانی از افراد گردآوری و ضبط شده است که امید داریم به طور مجزا در زمانی مناسب و مقتضی منتشر شود.

۱. برای اطلاع بیشتر از تمام مباحث این گفتگوها، زک: مجله کیهان فرهنگی، شماره ۷، مهرماه ۱۳۶۳؛ مجله حوزه، سال چهارم، شماره دوم، خرداد - تیر ۱۳۶۶ش؛ و همچنین آفاق مرزبانی، عبدالله نصری، انتشارات سروش.

۵. فهرست آثار استاد جعفری نیز به منظور آشنایی دانش پژوهان در فصل پنجم آورده شده است.

۶. بخش‌های انتهایی نیز شامل گزیده‌ای از تصاویر، اسناد، دستخط‌ها و مدارک است.

توضیح یک مطلب: متأسفانه موضوع رایج در نقل قول خاطرات و برخی گفته‌های بزرگان این است که:

الف) گاهی اوقات بعضی افراد چه به صورت شفاهی و چه به صورت مکتوب که درصدد انتقال و نقل این خاطرات هستند، نسبت به این موضوع توجه و حساسیت کافی ندارند که عین مطالب، عبارات و خاطره مورد نظر را به طور دقیق نقل و یا مکتوب کنند. این کم‌توجهی از سوی این اشخاص که گاهی اوقات با تحریف و گاهی با اشتباهات فاحش در نقل قول‌ها همراه است، موجب ابهام در اذهان بسیاری از کسانی می‌شود که در ابتدای آشنایی با این قبیل متفکران هستند. از این رو، از خوانندگان محترم و ارجمند تقاضا داریم که در صورت نقل مطالب مندرج در این کتاب، چه به صورت شفاهی و یا مکتوب، از تقطیع خودداری و لطفاً آداب امانت را رعایت فرمایند.

ب) گاهی خاطرات و مطالبی از زنده‌یاد استاد جعفری در فضای مجازی و رسانه‌ها نقل می‌شود که صحت و سقم آن مورد تردید است. لذا تقاضا می‌شود که قبل از تأیید و یا رد آن مطالب و خاطرات، به صورت شفاهی و یا ایمیل و صفحات شبکه‌های اجتماعی، صحت و یا عدم صحت آنها را از دفتر نشر آثار ایشان جویا شوند.

ج) به طور کلی، یادمان و پاسداشت متفکران مؤثر و دلسوز جوامع انسانی، منحصر به خاطرات شخصی بجای مانده از آنان نیست، بلکه دستاوردهای علمی به همراه مجموعه خاطراتشان می‌تواند ملاک و الگوی اخلاقی و علمی باشد.

د) بیان ویژگی‌های اخلاقی و علمی و خلاصه‌ای از فرازهای مهم و

الگوپذیری زندگی محمد تقی جعفری و امثال این شخصیت‌ها در دیگر آثاری که بدین منظور منتشر می‌شود، به هیچ وجه نباید منجر به مطلق‌انگاری، بستن پرونده مغز بشری، تقدیس و توقف در شخصیت آنان شود. همان‌گونه که خود ایشان نیز در خلال گفتگوهای اثر حاضر می‌گویند:

ما باید میان احترام به شخصیت‌های پیشتاز و برخورداری از بزرگان را، با قرار گرفتن در جاذبه شخصیت آنان تفاوت قائل شویم. قرار گرفتن در جاذبه شخصیت‌ها به طور مطلق، حس ابتکار و ابداع را از بین می‌برد و انسان آگاهانه یا ناآگاه در محاصره تقلید می‌ماند و نمی‌تواند از نیروی خدادادی بهره‌مند شود.

در پایان، ضمن سپاس از سروران عزیز و ارجمند، آقایان: استاد منوچهر صدوقی سُها، دکتر عبدالله نصری، دکتر غلامعلی رجایی، دکتر سید محمدعلی بوترابی، سعید رئیسی، رامین نعمتی، مجتبی سلطانی و کریم فیضی، که در مراحل آماده‌سازی متن این کتاب، ما را با راهنمایی‌ها و کمک‌های بی‌دریغ خود همراهی کردند، و نیز از آقایان: استاد سعید عجمی بابت مشاوره هنری (صفحه‌آرایی متن، طراحی جلد، مرمت تصاویر و اسناد و مدارک)، مجتبی قاسمپور، حبیب اعلم ملکی، ماهان محبی و اباذر جعفری بابت اسکن و بازسازی برخی تصاویر، و همچنین خانم‌ها رؤیا عزیزی موسوی و میترا رفیع‌زاده که ما را در بخش‌هایی از بسامان شدن این اثر یاری کردند، و از دست‌اندرکاران دفتر نشر فرهنگ اسلامی که در خصوص انتشار این مجموعه اهتمام ورزیدند، کمال تشکر و قدردانی را داشته و بهروزی و سعادت همه این عزیزان و دیگر دوستان و همراهان بزرگوار را از خداوند منان مسئلت داریم.

دفتر نشر آثار علامه محمد تقی جعفری

تایستان ۱۴۰۱ ش